

مطالعه کیفی فرایند نقش آفرینی تلگرام بر روابط عاطفی زوجین ۴۰-۱۵ سال شهر بروجرد

کرم‌اله جوانمرد^{۱*}

نرگس خوشکلام^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۵

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مطالعه کیفی فرایند نقش آفرینی تلگرام بر روابط عاطفی زوجین ۴۰-۱۵ ساله شهر بروجرد در استان لرستان با استفاده از طرح کیفی و به روش داده بنیاد انجام شده است. داده یا جامعه مورد مطالعه این پژوهش افراد متأهل ۴۰-۱۵ ساله شهرستان بروجرد استفاده کننده از شبکه تلگرام هستند. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری مصاحبه به عمل آمده با ۳۱ نفر از زوجین مورد تحلیل قرار گرفت. براساس بیان مدل نتایج نشان داد شده که: متغیرهای زمینه‌ای سن، جنس، تحصیلات، شغل، مدت ازدواج، تعداد فرزندان و ...، اعتیاد به تلگرام میزان، نوع، استمرار، ازدواج سنتی، اختلاف سنی زیاد با همسر، ازدواج زودهنگام، خواستگاری سنتی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی، در تأیید این مفاهیم به عنوان بستر حاکم منظور راهبردهای اتخاذ شده از سوی زوجین در رابطه با تلگرام است. که افراد در اثر کمبودهای زندگی خود و همچنین جذابیت‌های تلگرام به عضویت این شبکه درآمد و سپس تحت شرایطی همچون اعتیاد به تلگرام، پایبندی به هنجارها، ازدواج سنتی، پایگاه اقتصادی، اجتماعی اقدام به شکستن هنجارهای ناشویی در فضای آزادانه تلگرام می‌نمایند. در نتیجه زوجین پس از مدتی دچار تنش در رابطه عاطفی میان خود و همسرش می‌شوند.

کلید واژه‌ها: شبکه اجتماعی تلگرام، روابط عاطفی زوجین، داده بنیاد.

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره)

۲- فارغ التحصیل کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره)

۱. مقدمه و بیان مسئله

عصر حاضر عصر شبکه‌های اجتماعی^۱ است که در آن اینترنت به‌عنوان یکی از بسترهای ارتباط جمعی، اهمیتی ویژه یافته است. از پیامدهای مثبت آن می‌توان به گسترش آموزش علوم و انتقال فرهنگ و تسریع در ارتباطات و از پیامدهای منفی آن به کاهش روابط چهره-به‌چهره اجتماعی افراد اشاره کرد که خود پیامدهای دیگری نظیر تأثیرگذاری بر روابط عاطفی زوجین را به همراه دارد. مطالعات نشان داده است که بین استفاده از اینترنت و دگرگونی ارزش‌های خانوادگی رابطه وجود دارد (کفاشی، ۱۳۸۸). اگرچه برخی محققان معتقدند که استفاده از اینترنت سبب بهبود تعاملات انسانی می‌گردد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۸۰)، اما برخی دیگر بر این باورند که به علت زمان‌گیر بودن، می‌تواند بر روابط اجتماعی چهره-به-چهره تأثیر منفی بگذارد (ساندرز، ۱۳۸۲: ۲۸) (باومن، ۱۳۸۴: ۱۰۹).

امروزه شاهد آن هستیم که این تکنولوژی نوین با زندگی روزمره‌ی تک‌تک افراد خانواده گره‌خورده و با تغییر در روابط و مناسبات اعضای خانواده، نقش‌ها و تکالیف آنان، سبک زندگی و مناسبات درون و بیرون خانواده را تغییر داده است. (محمدی، ترکی، ۱۳۹۶).

اصطلاح «شبکه اجتماعی»^۲ اولین بار توسط بارنز^۳ در سال ۱۹۵۴ مطرح شد و بیانگر مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی است که به‌وسیله مجموعه‌ای از روابط معنادار اجتماعی به یکدیگر متصل‌اند و با هم در به اشتراک گذاشتن ارزش‌ها تعامل دارند. (معمار و همکاران، ۱۳۹۱) که به فرد امکان برقراری ارتباط با شمار زیادی از افراد دیگر، فارغ از محدودیت‌های زمانی، مکانی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را می‌دهند (Pempek et al., 2009). جان فیدر^۴ معتقد است انقلاب ارتباطی-اطلاعاتی اخیر بسیار فراتر از الکترونیکی‌شدن رابطه انسان-هاس است. این فناوری‌ها با پیدایش جامعه شبکه‌ای، افراد را در قالب‌های تازه، هویت جدیدی می‌بخشد و سبب بیگانگی انسان‌ها از یکدیگر می‌گردد (Feather, 2000). از زمان ایجاد اولین شبکه اجتماعی مجازی، هزاران نوع از این وب‌سایت‌ها در سراسر جهان ایجاد شده است (Boyd and Ellison, 2009). امروزه برخی از این شبکه‌ها با برنامه‌های کاربردی و خدماتی‌ای که ارائه می‌دهند، عمیقاً بر وقایع مختلف در دنیای واقعی و همچنین بر زندگی افرادی که از آن‌ها استفاده می‌کنند، مؤثرند (Panckhurst and Marsh, 2011) (Ellison et al., 2009). استفاده افراد و به‌خصوص جوانان از

1. Social Networks
2. Social Network
3. J.A.Barnes
4. John Feather

شبکه‌های اجتماعی مجازی در حال رشد است (Sylvester and McGlynn, 2010) به طوری که برای بسیاری از مردم، استفاده از این شبکه‌ها حالتی روزمره دارد (Boyd and Ellison, 2010). برخی از دلایل اصلی استفاده از این شبکه‌ها عبارتند از: ارتباط با دیگران (Kim et al., 2008) یادگیری قوانین اجتماعی (Boyd, 2007)، تفریح و تبادل تجربیات، انتشار سریع و آزاد اخبار، افزایش قدرت تحلیلی و تقویت روح انتقادی، توانایی عبور از مرزهای جغرافیایی و شکل‌گیری و تقویت خرد جمعی. (اسلامی، ۱۳۹۱) باین‌حال، نقش این شبکه‌ها در شکل‌گیری ارتباطات بین فردی جدید نباید نادیده گرفته شود (Walther et al., 2002).

یکی از شبکه‌های اجتماعی، تلگرام^۱ است طبق آخرین گزارشات الکسا، اکثر کاربران تلگرام، ایرانی هستند (شیری، رحمانی، ۱۳۹۴).

لذا اکثریت پژوهش‌ها و تحقیقات داخلی و خارجی گویای آن است که آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی بر روابط عاطفی زوجینی که از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند تأثیرگذار بوده است (محمدی‌سیف و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۱-۹۰). کارین کنستانتین^۲، وکیل آمریکایی نیز معتقد است که شبکه‌های اجتماعی، عامل اصلی اختلاف میان زوجین هستند (همان: ۹۸). با توجه به این نکته که گسترش استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، پدیده‌ای اجتماعی و نه صرفاً اخلاقی است که باید فهم شود (عبدالکریمی، ۱۳۹۲) و همچنین کسی که شدیدترین تعاملات عاطفی را با انسان دارد، همسر اوست که از این طریق می‌تواند نیاز اساسی محبت و عشق را در بالاترین درجه برای شخص برآورده کند (اسکافی نوغانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲۶)؛ بنابراین مسئله اصلی تحقیق حاضر این است که چگونه شبکه‌های اجتماعی مجازی مانند تلگرام، با وجود این که به‌منظور گسترش روابط اجتماعی افراد بنیان‌گذاری شده‌اند، در عمل سبب ایجاد اختلال در عمیق‌ترین روابط انسانی که همانا روابط عاطفی فرد با همسرش است، شده‌اند و یا به عبارتی نقش‌آفرینی می‌کنند؟

۲. بررسی پیشینه پژوهش

اکثریت پژوهش‌ها و تحقیقات داخلی و خارجی گویای آن است که آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی بر روابط عاطفی زوجینی که از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند تأثیرگذار بوده است.

1. Telegram

2. Karin Constantine

محمدی‌سیف و همکاران (۱۳۹۳) در پی استفاده از شبکه‌های اجتماعی اعضای خانواده همواره متحمل بی‌توجهی و کج‌خلقی و سردی کاربر شده و در نهایت، خانواده کم‌کم اختلال عاطفی را در لایه‌های درون خود حس نموده است.

یزدانی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر طلاق عاطفی در گروه زنان خانه‌دار و شاغل شهر قم نشان داده است که کیفیت زنان دچار طلاق عاطفی در حد پایین و کیفیت زنان عادی در حد بالای دارد.

طالب‌پور (۱۳۹۶) در تحقیقی تحت عنوان عوامل موثر بر خشونت خانگی در استان اردبیل نشان داده است که تراکم صمیمیت زوجین به میزان (۰/۱۵۹) و اعتماد زوجین (۰/۴۶ و ۰) و ناسازگاری بین پایگاه خانوادگی زوجین به میزان (۰/۰۰۹) بوده است که منجر به خشونت علیه زنان شده است.

صدقی‌جلال و همکاران، یاسمی (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و ارزش‌های نهاد خانواده، تغییر سبک زندگی و تغییر توقعات زوجین رابطه معناداری وجود دارد.

شیری و رحمانی (۱۳۹۴) نیز در نتیجه تحقیقی نشان دادند که بین میزان استفاده از شبکه تلگرام و کاهش روابط صمیمی افراد خانواده رابطه معناداری وجود دارد.

کوچکی و همکاران (۱۳۹۵) نیز در تحقیق خود نشان دادند که مهارت‌های ارتباطی کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی، بر رضایت آن‌ها از زندگی زناشویی تأثیر منفی دارد.

شکریبگی، یعقوبی (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر رضایت زناشویی زوجین اثر معناداری دارد. از طرف دیگر، بین تقاضای طلاق و عضویت افراد در شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه معناداری وجود دارد.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند که تفاوت معناداری میان زوجین کاربر و غیرکاربر شبکه‌های اجتماعی مجازی از نظر سست شدن پیوندهای خویشاوندی، گرایش انزواجویانه، عدم‌پایبندی به تعهدات زناشویی، سردی روابط و بی‌اعتمادی زناشویی وجود دارد.

پیرجلیلی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که استفاده زوجین از این شبکه بدون سواد رسانه‌ای منجر به تنش در روابط خانوادگی آنان خواهد شد.

متیو^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان دادند رابطه معناداری میان درک افراد از صمیمیت و رضایت از همسرانشان و میزان استفاده از شبکه اجتماعی آنلاین وجود ندارد. با این حال یک رابطه معنادار میان میزان استفاده از شبکه اجتماعی آنلاین و صمیمیت و رضایت از یک شریک عاشقانه مجازی وجود دارد و آن‌ها معتقد بودند وجود این رابطه نشان‌دهنده نوعی وابستگی فرد به شریک عاشقانه مجازی است.

پیروز (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان دادند که ارتباط معناداری بین تلگرام و وابستگی احساسی به دیگران وجود دارد، در حالی که رابطه بین تلگرام و عدم اعتماد به نفس و عدم استقلال معنادار نیست.

آدامسون^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی نشان دادند استفاده از شبکه‌های اجتماعی سه آسیب بالقوه برای زوجین دارد: (۱) اعتیاد زوجین به این شبکه‌ها، (۲) انتظارات غیرواقعی و توقعات بالا از یکدیگر و طلاق عاطفی، (۳) ایجاد رابطه فرازناشویی.

تحقیقات بسیاری درباره تأثیر شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بر روابط خانوادگی انجام گرفته است بیشتر این تحقیقات به روش پیمایشی انجام شده است و رویکردی کلی به موضوع نگریسته و عموماً تأثیرات کل فضای مجازی را بر کل روابط فرد اعم از رابطه فرد با همسر، فرزندان و ... بررسی نموده‌اند؛ اما باید توجه داشت که فضای مجازی، گستره وسیعی است که شامل ارتباطات و شبکه‌های بی‌شماری می‌گردد. که قطعاً از لحاظ پیامدی با یکدیگر متفاوت هستند. و هر کدام نیز کاربران خاص خود را دارند. به گونه‌ای که تأثیر یک شبکه بر حوزه‌ای از روابط مانند روابط با دوستان مثبت بوده و در حوزه‌ای دیگر مانند روابط با همسر منفی باشد، حتی روابط با همسر نیز خود به سه حوزه روابط زناشویی، روزمره و عاطفی تقسیم می‌گردد که تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هر کدام متفاوت است. بنابراین در پژوهش حاضر سعی شده است مساله به صورت جزئی‌تر و تأثیر یکی از این شبکه‌ها را که امروزه بیشترین میزان استفاده را در میان کاربران دارد، یعنی (شبکه اجتماعی تلگرام) بر روابط عاطفی زوجین از نگاه خود آنان بررسی نماید.

1. Matthew
2. Adamson

۳. چهارچوب نظری پژوهش

امروزه با وجود شبکه‌های مجازی امکان ارتباطات خارج از محدوده خانواده افزایش یافته است و این شبکه‌ها می‌توانند به‌عنوان عاملی اخلاص‌گر در کیفیت روابط زوجین بررسی شوند.

چالرز هورتون کولی^۱ معتقد است ارتباطات سازوکاری است که بر زندگی واقعی انسان تأثیر می‌گذارد (شرام، ۱۳۸۱: ۴۴) در نظریه خودآینه‌سان^۲ بر این باور است که «خود» یک شخص، از رهگذر تبادل او با دیگران رشد می‌یابد؛ یعنی آگاهی یک شخص از خودش بازتاب افکار دیگران درباره خودش است (ستوده، ۱۳۸۸).

همچنین از نظر وی گروه‌های نخستین^۳، آن گروه‌هایی هستند که با همکاری و همبستگی رودررو مشخص می‌شوند (کوزر، ۱۳۸۲) این گروه‌ها به‌طور طبیعی و براساس دلبستگی عاطفی تشکیل می‌شوند (کوئن، ۱۳۹۱: ۱۳۰).

نظریه «نفوذ اجتماعی»^۴ آلتمن^۵ و تیلور^۶ به فرآیندی از پیوند رابطه‌ای که به‌موجب آن افراد از ارتباط سطحی به رابطه صمیمی‌تری پیش می‌روند، اشاره دارد به عقیده آن‌ها رابطه صمیمانه فراتر از صمیمیت فیزیکی است و شامل ابعاد ذهنی و احساسی و تا آن حدی که یک زوج فعالیت‌هایشان را به اشتراک می‌گذارند (آلتمن، ۱۳۸۲).

دیوید رایزمن^۷ اصطلاح «توده تنها»^۸ را برای کارکرد رسانه در دوران مدرن به‌کار می‌برد (Riesman, 2001) (رابرتسون، ۱۳۷۷: ۱۳۱).

در مورد شبکه تلگرام و کانال‌های متعدد آن نیز این حالت وجود دارد چراکه محتواهای تولید شده در آن به‌دلیل جذابیت بالایی که دارند ساعت‌ها افراد جامعه را به خود مشغول داشته و به‌نوعی از جانب دیگری راهبری می‌شوند. ژان بودریار^۹ نیز در کتاب «جامعه مصرفی» به چنین مفهومی اشاره نموده و محتوای رسانه‌ها را نوعی فراواقعیت می‌داند که تنها برای مصرفی نمودن جامعه و غافل نمودن آنان از حقیقت‌های جاری در لایه‌های زیرین جامعه، تولید می‌شوند (بودریار، ۱۳۹۲).

1. Charles Horton Cooley
2. Looking Glass Self
3. Primary Group
4. Social Penetration
5. Irwin Altman
6. Dalmas Taylor
7. David Riesman
8. Lonely Crowd
9. Jean Baudrillard

مارشال مک‌لوهان معتقد است که انسان‌ها توسط رسانه‌های مختلف الکترونیکی به شکل مداوم و یا غیرمداوم در ارتباط خواهند بود و این روند منجر به شکل‌گیری دهکده جهانی می‌شود. (دادگران، ۱۳۹۰: ۹۹-۸۹).

یورگن هابرماس^۱ نیز معتقد است که دنیای مجازی یا دنیای شبکه‌ها به تدریج جایگزین دنیای واقعی می‌شود (وبستر، ۱۳۸۰). به اعتقاد مانوئل کاستلز^۲ رسانه‌های جدید نهاد خانواده را دچار دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی نموده است (Castells, 2007). والدخال^۳ و کلایپر^۴ براساس نظریه کاستلز معتقدند که شبکه‌های اجتماعی مجازی سبب تغییر سبک زندگی افراد و بروز آسیب‌های اجتماعی نوظهوری شده است که سبب کاهش روابط چهره به چهره درون خانواده (ویندال، ۱۳۸۵) و در نتیجه زوال اجتماعات واقعی می‌گردد. (تامپسون، ۱۳۸۰) آفونسو و فیشر معتقدند استفاده از اینترنت سبب انزوای اجتماعی، تنهایی، کاهش تعاملات اجتماعی و سلامت روانی می‌شود (Affonso, 1999) (Fischer, 1975). پاتر^۵ «سواد رسانه‌ای»^۶ را مجموعه‌ای از چشم‌اندازها می‌داند که افراد به‌طور فعالانه برای قرار گرفتن در معرض رسانه از آن بهره می‌برند تا معنای پیام‌هایی را که با آن‌ها مواجه می‌شوند، تفسیر کنند (Potter, 2005) (Potter, 2010).

بنابراین فردی که دارای سواد رسانه‌ای است، می‌تواند شکاف موجود بین تولیدات رسانه-ای و واقعیت را شناسایی و عوامل مؤثر بر آن را تحلیل کند (Thevenin and Mihailidis, 2012) پس از این شناسایی و تحلیل، فرد می‌تواند خود به تولیدکننده محتوا تبدیل شود و از این طریق سطح سواد رسانه‌ای خود را ارتقاء بخشد. (Westbrook, 2011).

به عقیده استفن مارکس، یک فرد متأهل دارای زاویه درونی، زاویه همسری و زاویه سوم است که هر نقطه تمرکز خارج از خود به‌جز همسر را نشان می‌دهد. (Marks, 1989:149) (ibid: 150-151).

رابرت استرنبرگ^۷ جوانب مختلف عشق را با مثلثی که دارای سه مؤلفه تعهد، صمیمیت و اشتیاق است، نشان می‌دهد که به طرق گوناگون با هم ترکیب می‌شوند و بر این اساس وی هشت نوع رابطه را مشخص کرده است. از آنجاکه طلاق عاطفی رابطه‌ای فاقد صمیمیت است،

1. Jurgen Habermas
2. Manuel Castells
3. Valldhal
4. Klapper
5. W. James Potter
6. Media Literacy
7. Sternberg

می‌توان دو نوع رابطه تعریف شده توسط وی، یعنی عشق تهی و عشق ابلهانه را طلاق عاطفی خواند (Olson and Defrain, 2006: 174).

بنابراین عضویت زوجین در شبکه‌های اجتماعی مجازی و صرف نمودن وقت زیاد در این شبکه‌ها، می‌تواند سهم هر یک از این ابعاد را کاهش دهد یا آن‌ها را حذف نماید (چلبی، ۱۳۸۵، ۸۴).

چلبی تعامل را دارای دو وجه عمده ابزاری و اظهاری می‌داند، که روابط خانوادگی از مصادیق رابطه اظهاری محسوب می‌شود (باستانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

طبق نظریه پویایی گروهی فرد پس از عضویت در گروه‌های تلگرامی سعی می‌کند به‌صورتی پویا برخی از ارزش‌های خود را کنار گذاشته و برخی از ارزش‌های گروه را بپذیرد و این روند پویا تا جایی ادامه خواهد داشت که شخص به‌نوعی هم‌آوایی با گروه برسد و شباهت حداکثری در خود و آنان مشاهده نماید. در این فرآیند فرد به شیوه‌ای کاملاً تدریجی تغییرات را در ارزش‌های پیشین خود ایجاد نموده و مقاومت وی در برابر تغییرات کاسته می‌شود.

۴. روش‌شناسی پژوهش

به دلیل آن‌که پژوهش کیفی حالت رفت و برگشتی دارد، داده‌های مربوط به یک مورد جمع‌آوری گشته و تحلیل می‌شوند و پس از این تحلیل تصمیم گرفته می‌شود که منبع بعدی چه منبعی باشد که بتواند اطلاعات دقیق‌تری درباره موضوع در اختیار محقق قرار دهد و همچنین تا زمان اشباع نظری یعنی زمانی که دیگر داده جدید حاصل نشود. در این روش طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مطالب گردآوری شده از جملات خام و داده‌های اولیه به کدهای مفهومی و مقولات و طبقات تبدیل شدند که در نهایت با کدگذاری محوری در مدل پارادایم نظریه داده بنیاد^۱ مطرح گشت. این نظریه شیوه تحلیلی در علوم اجتماعی است که پیشاپیش نظریه مطرح نمی‌کند بلکه پس از گردآوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها به نظریه می‌رسد (کاستلز، ۱۳۹۷: ۱۲). کدگذاری محوری شامل شرایط علی، پدیده محوری، بستر حاکم، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها می‌شود و با کدگذاری انتخابی پس از تحلیل هر منبع بخش‌های ناقص مدل شناسایی و انتخاب و در منبع بعدی به تکمیل آن‌ها پرداخته شد تا زمانی که محقق هم به اشباع نظری رسید و هم مدل از نظر مفاهیم

کامل شد؛ یعنی به‌طور هم‌زمان از تکنیک اشباع نظری و تحلیل استقرایی استفاده شده است.

در این پژوهش برای بررسی اعتبار و روایی، یافته‌های پژوهش (مفاهیم استخراج‌شده در قالب مدل پارادایم، مقولات و مضامین، کدهای یافت شده و نمونه‌های تحقیق) برای ارزیابی و مشاوره به چند نفر از متخصصان جامعه‌شناسی ارائه شدند تا مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفته و مواردی جهت اصلاح نظریه نهایی بیان شده است. اگرچه در تحقیق کیفی بحث پایایی موضوعیت ندارد اما به جهت بررسی پایایی این تحقیق از روش توافق درون‌موضوعی استفاده شده است.

حال در این پژوهش با توجه به موضوع تحت عنوان مطالعه کیفی فرایند نقش‌آفرینی تلگرام بر روابط عاطفی زوجین از روش تحقیق کیفی^۱ و داده‌بنیاد^۲ یا نظریه مبنایی استفاده شده است. در این روش محقق با تحلیل داده‌های مصاحبه به دنبال کشف مفاهیم ذهنی کنشگران است. و فرایند گردآوری و تفسیر داده‌های تحقیق در این روش به‌صورت هم‌زمان انجام شده است. پس از تکمیل مصاحبه‌ها و تبدیل آن‌ها به متن، مصاحبه‌ها چندین بار خوانده شده است و در مرحله بعد کدگذاری صورت گرفته است. مهم‌ترین هدف کدگذاری خرد کردن و فهم متن و پیوند اجزای به‌دست‌آمده با یکدیگر و تدوین مقوله‌ها و منظم کردنشان بوده است.

داده یا جامعه مورد مطالعه این پژوهش افراد متأهل ۴۰-۱۵ ساله شهرستان بروجرد استفاده‌کننده از شبکه تلگرام بوده اند. اغلب پژوهشگران و صاحب‌نظران تعداد افراد نمونه برای رسیدن به شرایط مطلوب را بین ۳۰-۲۰ نفر می‌دانند (هسته، بیبر، ۱۳۹۶ و چارمز، ۲۰۱۴: ۲۱۴). با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری مصاحبه با ۳۱ نفر از زوجین مورد تحلیل قرار گرفته اند. همچنین مدت ازدواج آن‌ها به‌صورتی بوده است که شرایط و چگونگی روابط عاطفی قبل از عضویت در شبکه اجتماعی تلگرام و بعد از آن را درک و تجربه نموده‌اند بنابراین حجم نمونه در طول تحقیق مشخص شد و در کل ۳۱ مصاحبه انجام شده است که از مصاحبه هجدهم به بعد شاهد داده‌های تکراری بوده‌ایم. روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق مصاحبه‌های عمیق بوده است؛ و مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی به‌صورت متن، کدگذاری و تحلیل شده است و طبقات نهایی از آن‌ها استخراج گردیده است. در این تحقیق به‌منظور ایجاد مدل پارادایم گراند‌تئوری پدیده محوری

1. Qualitative Research
2. Grounded Theory

تعیین شده و سایر طبقات در قالب یکی از روابط ذیل با پدیده محوری، حول آن من جمله: شرایط علی، راهبردها، زمینه‌ها، شرایط مداخله‌گر و پیامدها به وجود آمده است. به منظور تعیین روایی و اعتبار از نظر اساتید فن استفاده شده است؛ و به منظور دست یافتن به پایایی از روش «توافق درون موضوعی» استفاده گردیده است بدین روش که کدگذار دیگری سه مصاحبه را کدگذاری نموده است و با کدگذاری محقق از نظر میزان تشابه مقایسه و درصد توافق حاصل شده است.

$$\text{درصد توافق} = \frac{\text{تعداد توافقات} * 100}{\text{تعداد کل کدها} * 100} \%$$

نتیجه حاصل از این فرمول برای مصاحبه‌های اول، سوم و هفتم انجام گرفته است؛ و براساس یافته‌ها درصد توافق درون موضوعی کل ۷۶٪ محاسبه گردید و در نتیجه تحقیق از پایایی مطلوبی برخوردار است. در نهایت از ۳۱ نفر شرکت‌کننده در این پژوهش ۲۰ نفر زن و ۱۱ نفر مرد بوده‌اند و از لحاظ سطح تحصیلات شرکت‌کنندگان به ترتیب در میان آنان دیپلم و زیردیپلم ۱۳ نفر و کاردانی و کارشناسی ۱۴ نفر، کارشناسی و کارشناسی ارشد ۴ نفر و از لحاظ شغلی ۱۷ نفر خانه‌دار، ۷ نفر شاغل در خدمات دولتی و ۶ نفر شغل آزاد برخوردار بوده‌اند.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. شرایط علی

شرایط علی مربوط به پدیده شرایطی هستند که زمینه‌ساز بروز پدیده محوری می‌گردند؛ بنابراین طبق مدل پارادایم به دست آمده از داده‌های کیفی عبارتند از جذابیت‌های تلگرام و رسانه‌های جدید ارتباطی، بیکاری، خلأ عاطفی و احساس تنهایی، عدم رشد شخصیتی و فقدان شخصیت مستقل، خود کاذب و جامعه مصرف‌گرا است.

جذابیت‌های تلگرام از جمله، عشق مجازی، دوستی مجازی، صمیمیت مجازی، دل بستگی مجازی، ارتباط امن، آسان، ارزان، چندرسانه‌ای، گسترده و سریع آگاهی‌بخشی هستند. عشق مجازی یکی از شرایط علی است که منجر به تنش روابط خانوادگی زنان و مردان می‌شود. می‌تواند برای هر کسی جنبه‌های هیجان‌انگیز زیادی داشته باشد. ارتباط و آشنایی اینترنتی در اینستاگرام و تلگرام به خودی خود امری اشتباه نیست، گرچه رفتارهای روان‌شناختی و احساسات متقابل در دنیای مجازی درست همانند دنیای واقعی است. در ارتباطات مجازی

زمینه بیشتری برای مورد سوء قصد قرار گرفتن و کلاه برداری فراهم است. به طور کلی در فضای مجازی فرد فقط بخشی از شخصیت و هویتش را می‌تواند به طرف مقابل معرفی کنیم و شناخت همه جانبه طرف مقابل نیز ممکن نیست. این موضوع دلیل اصلی برای مناسب نبودن فضای مجازی برای آشنایی و برقراری رابطه عاطفی و ازدواج است. امروزه افراد گمان می‌کنند که اگر با فناوری‌های نوین ارتباطی همراه نباشند، بی‌فرهنگ و عقب مانده تلقی می‌شوند. اکرم ۲۸ ساله در این رابطه می‌گوید: «اکثر زن‌های فامیل و دوستانم تلگرام داشتن من که می‌گفتم ندارم مسخره‌ام می‌کردن و می‌گفتن همه دارن تو چرا نداری» کوروش ۲۹ ساله معتقد بود: «تو فضای واقعی نمیتونی یه‌هو تو خیابون آگه از یه خانمی خوشت بیاد مستقیم بری جلوش و بهش پیشنهاد رابطه بدی برات دردسر میشه، اصلاً تو جامعه ننگه ولی تو تلگرام نه». کامبیز ۴۰ ساله می‌گوید: «مثل اعتیاد به مواد مخدره، مواد تسکین جسمی داره، تلگرام تسکین روحی داره.» همچنین طبق تحلیل داده‌ها، شبکه تلگرام، فضایی برای پنهان نمودن خود حقیقی و نمایش خود دیگرپسند فراهم می‌کند. بهروز ۴۰ ساله معتقد است: «هر کی میاد تلگرام به نوعی داره دروغ می‌گه که فقط خودش رو تو دل بقیه جا کنه.»

مفهوم جدیدی که با عنوان بیکاری در مدل پارادایم آمده است در دو قرن اخیر با تأثیرپذیری فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی از سیستم اقتصاد سرمایه‌داری و جایگزینی پارادایم سودگرایی به جای رفع نیاز در اکثر کشورها به یک مشکل اقتصادی تبدیل گردیده است. بیکاری به صورت حاد از قرن هجدهم در جوامع صنعتی به عنوان یک مسئله و مشکل اجتماعی مطرح گردید که ناشی از انقلاب صنعتی و تغییر الگوهای تولید مهاجرت گسترده روستائیان به شهرها و توجه سرمایه‌داران به کسب سود و ایجاد نیاز جدید به منظور کسب سود بیشتر به جای توجه به رفع نیازهای واقعی جوامع بود. لذا این شرایط همانند سایر شرایط علی‌بالا در فرایند نقش‌آفرینی تلگرام بر روابط عاطفی زوجین مؤثر است.

داده‌های گردآوری شده در قالب ۶ مفهوم اصلی از جمله: جذابیت‌های تلگرام و رسانه‌های جدید ارتباطی، بیکاری، خلأ عاطفی، احساس تنهایی، عدم رشد شخصیتی و فقدان شخصیت مستقل، خود کاذب و جامعه مصرف‌گرا مطرح شدند. این مفاهیم خود به چهار مقوله عمده تحت عنوان فشار فناوری، فشار هنجاری، فشار ساختاری و هویت معلق تقسیم شده‌اند. «فشار فناوری» مفهوم جدیدی است که برای بیان این حقیقت به کار رفته است و بدین معناست که فرد خود را ملزم به همراهی با پیشرفت جهانی فناوری در زمینه ارتباطات می‌-

داند که این الزام ناشی از تحریک فرد توسط دیگران برای عضویت در تلگرام، همه‌گیر شدن این شبکه و کارایی آن در عرصه‌های مختلف زندگی است. منظور از محدودیت‌ها، قوانینی است که هنجارهای اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و مذهبی برای ارتباط فرد با دیگران در دنیای حقیقی تعریف نموده است؛ که در مدل پارادایم تحت مفهوم «فشار هنجاری» آمده است. فرد در دنیای حقیقی به دلیل نظارت اجتماعی از سوی دیگران، ملزم به رعایت این هنجارها در زمینه برقراری ارتباط با سایر افراد جامعه است اما در فضای تلگرام که مجازی است، با توجه به امکان گمنام بودن، هیچ‌گونه محدودیت هنجاری موضوعیت نداشته و فرد می‌تواند آزادانه با دیگرانی که حتی آن‌ها را نمی‌شناسد ارتباط برقرار نماید طبق نظریه "فشار ساختاری" رفتارهای انحرافی نتیجه فشارهای اجتماعی است که افراد و خانواده‌ها را وادار به کجروی می‌کند.

مفهوم دیگری که برای مقولات این پژوهش به دست آمده است "هویت معلق" است. یکی از ویژگی‌های حضور در اینترنت دروغ‌گویی و پنهان کردن هویت واقعی خود است. در فضای سایبر بیش از آنکه هویت ظاهری فرد مطرح گردد، درون‌مایه‌های افراد بروز می‌کند. آنان دائماً با محرک‌های جدید و انواع مختلف رفتار آشنا می‌شوند. چنین فضایی هویت نامشخص و پیوسته متغیری را می‌آفریند. هویتی معلق در فضای مجازی که هیچ ثباتی ندارد.

یک مقوله هسته با عنوان بحران هویت فردی و اجتماعی در ایجاد تنش در روابط عاطفی زوجین تحلیل شده است. بحران به معنی تنش و تضاد یا خروج از حالت تعادل و انحراف از حقیقت است. به عبارت دقیق‌تر بحران را می‌توان موقعیت یا ظرف خاصی دانست که بر اثر آن افراد به سبب شرایط خاص تاریخی و شرایط نوظهور، از شناخت دقیق حقیقت وجودی و حقوق خویش و نیز شناساندن آن‌ها به دیگران باز مانده‌اند، به شکلی که نه تنها این گروه در این رهگذر، بین وهم و واقعیت معلق است، بلکه دیگران نیز از شناختن درست آن، عاجز می‌باشند. افراد در وضعیت بحران هویت اجتماعی، نقش خود را در گروه نمی‌دانند و در سطح کلان‌تر، جامعه کارکرد خود را از دست می‌دهد، جامعه دچار سردرگمی و آنومی می‌گردد، نهادهای اجتماعی از حالت تعادل خارج می‌شوند و منزلت اجتماعی افراد لطمه می‌بینند. در مقابل، بحران هویت فردی به معنی عدم توانایی فرد، در قبول نقشی است که جامعه از او انتظار دارد. منابع هویتی در گذشته، طبقه اجتماعی، خانواده‌های گسترده و هسته‌ای، ملیت و مذهب بوده‌اند که در دهه‌های اخیر با جریان جهانی‌سازی حاکم بر رسانه‌ها، رو به افول هستند؛ بنابراین بررسی نحوه عملکرد و تأثیر انواع رسانه‌های پرکاربرد

همچون ماهواره و شبکه‌های اینترنت بر روی افراد جامعه به‌ویژه در قالب جنسیت منجر به آگاهی از دلایل بروز برخی از رفتارها و راه‌های پیشگیری از آن خواهد شد.

- بستر حاکم

نحوه استفاده و چگونگی شدت و استمرار و میزان آن بستگی به خود فرد دارد و فرد می‌تواند در این زمینه خود واقعی خود را نشان دهد تا در عشق مجازی به دام نیفتد. طبق تحلیل داده‌ها متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات، شغل، مدت ازدواج، تعداد فرزندان و...)، (۲) اعتیاد به تلگرام (میزان، نوع، استمرار، ۳) ازدواج سنتی (اختلاف سنی زیاد با همسر، ازدواج زود هنگام، خواستگاری سنتی) و (۴) پایگاه اقتصادی-اجتماعی. افرادی که به شیوه سنتی ازدواج نموده و از طریق معرفی و پیشنهاد دیگران با همسر خود آشنا شده و سپس خواستگاری و ازدواج آن‌ها شکل گرفته است، افرادی که در سن کم ازدواج کرده‌اند و یا افرادی که اختلاف سنی زیادی با همسر خود دارند، زمانی که وارد شبکه اجتماعی گسترده‌ای مانند تلگرام می‌شوند، فرصتی برای آشنایی با جنس مخالف می‌یابند که به دنبال آن، ممکن است معیارهای همسر ایده‌آل در ذهن آنان تغییر کرده و روابط فرازنشویی مجازی را برقرار سازند.

کورش ۲۹ ساله در این رابطه می‌گوید: «من چون سن پایین ازدواج کردم، ۱۹ سالم بود زن گرفتم، دخترخاله‌ام، خیلی خانواده مذهبی داشتم، وقتی تلگرام نصب کردم رفتم تو گروه‌ها تازه فهمیدم زنم اون چیزی نیستدر هنگام عضویت در شبکه اجتماعی تلگرام و آشنایی با کاربران دیگر، به مقایسه مداوم زندگی و همسر خود با زندگی‌های مجازی دیگران بپردازد و در نهایت نوعی احساس نارضایتی از همسر و زندگی‌اش را تجربه نماید.

نسترن ۳۵ ساله می‌گوید: بعضی مواقع تو گروه‌ها دوستانم میگن مثلاً من تولدم شوهرم برام ماشین خریده و ازین تعریف بعد من به شوهرم گیر می‌دادم واسه این چیزا با خودم می‌گفتم خوش به حال اونا با این شوهراشون.»

- شرایط مداخله‌گر

شرایطی هستند که راهبردهای اتخاذشده توسط فرد را تسهیل و یا تحدید می‌کنند. براساس نتایج کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده این شرایط عبارتند از: پایبندی به هنجارها اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، مذهبی، جامعه‌پذیری فرهنگ‌سازی، آموزش سواد رسانه‌ای، مکانیزم‌های منع دسترسی (فیلتر کردن)، دسترسی به سرگرمی‌های سالم، ویژگی‌های روان‌شناختی شخصیت فرد، انگیزه درونی فرد، مکانیزم‌های فروش اینترنت. است هنجارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز که با نام «عُرف جامعه» از آن‌ها یاد می‌شود، از دیگر شرایط

مداخله‌گری هستند که بر اتخاذ راهبردها توسط کنشگر مؤثرند. در جامعه‌ای که خیانت و روابط فرازنشویی به شدت نهی می‌شود و فردی که این اعمال را مرتکب شود از سوی جامعه طرد می‌گردد، فرد به خود جرأت ارتکاب این اعمال یا حتی فکر کردن به آن‌ها را نمی‌دهد از نگاه جامعه می‌ترسد. هرچه فرد به فرهنگ غالب جامعه و نظارت اجتماعی آن، پایبندتر باشد رفتار محتاطانه‌تری از خود در فضای مجازی و شبکه اجتماعی تلگرام نشان می‌دهد. اکرم ۲۸ ساله می‌گوید: «چون تو تلگرام قوانینی که توی دنیای واقعی هستن نیست و انگار آدم راحت میتونه اونا رو زیر پا بزاره. من آدم معتقدی بودم اعتقادات مذهبی داشتم توی دنیای واقعی که نمیام سرم رو لخت کنم پیش نامحرم ولی تو تلگرام عکسای سر لختم رو براش می‌فرستادم چون خودم رو توجیه می‌کردم که این فقط و فقط یه رابطه مجازیه و عکسمه، خود واقعیم که نیست. جامعه و فرهنگ جامعه ما ارتباط با مرد غریبه رو نمی‌پذیره اما توی تلگرام راحت از همه این قید و بندها خلاص میشی.» جامعه‌پذیری فرآیندی است که بر پایه آن، مجموعه حیات و فعالیت‌های انسانی در شبکه وابستگی‌های متقابل اجتماعی جای می‌یابد و بر پایه این فرآیند روانی-اجتماعی، شخصیت فرد تحت تأثیر محیط، خصوصاً نهادهای تربیتی، خانوادگی و دینی شکل می‌یابد (بیرو، ۱۳۷۰: ۹۹). پایبندی به هنجارهای اجتماعی «فرد را به آموختن هنجارها، ارزش‌ها، زبان‌ها، مهارت‌ها، عقاید و الگوهای فکر و عمل که همگی برای زندگی اجتماعی ضروری می‌باشند، قادر می‌سازد. (رابرتسون، ۱۳۷۷: ۱۱۲) بنابراین می‌توان گفت فردی که به عضویت تلگرام در می‌آید، اگر در زمینه هنجارها و عرف‌های ارتباطی به‌خوبی جامعه‌پذیر نشده باشد رفتار بهنجاری را در این شبکه از خود نشان نمی‌دهد.

کامبیز ۴۰ ساله معتقد است: متأسفانه ما همیشه جنبه منفی هر چیزی رو استفاده می‌کنیم چون جهان سوم هستیم و فرهنگمون ریشه‌ای مشکل داره. مخاطب با آموختن سواد رسانه‌ای توانایی شناسایی پیام‌های مخرب را کسب کرده و می‌تواند نوعی رژیم مصرف رسانه‌ای را برای خود تنظیم کند که هوشمندانه مراقب است چه محتوایی مناسب هستند و چه محتوایی مضر؛ (باکینگهام، ۱۳۸۹) همان‌طور که از نتایج تحلیل پیداست آموزش سواد رسانه‌ای در جامعه و میزان سواد رسانه‌ای افراد به‌عنوان یک عامل مداخله‌گر می‌تواند رفتار فرد را در فضای تلگرام کنترل نماید. از طرف دیگر «مکانیزم‌های منع دسترسی» برای مثال فیلتر کردن این شبکه همان‌طور که پاسخ‌گویان به آن اشاره نمودند سبب حریص‌تر شدن افراد برای دسترسی و استفاده از آن به کمک فیلترشکن‌ها شده است. همچنین

«دسترسی به سرگرمی‌های سالم» برای زوجین و خانواده‌ها می‌تواند سبب شود که افراد هیجانات خود را تخلیه نموده و کمتر به‌عنوان سرگرمی وارد شبکه تلگرام شوند بلکه تنها برای ضرورت‌های کاری و ارتباطی مجاز از آن استفاده کنند. «ویژگی‌های روان‌شناختی فرد» نیز که عبارتند از: شخصیت فرد و انگیزه درونی وی می‌تواند سبب شوند که فرد مرتکب روابط فرازنشویی مجازی شود. در کنار همه این‌ها «مکانیزم‌های فروش اینترنت» یا همان فروش بسته‌های اینترنتی ویژه توسط اپراتورها می‌تواند راهبرد افراد مبتنی بر برقراری روابط فرازنشویی در تلگرام را تسهیل نماید چراکه بنا بر گفته پاسخگویان مثلاً بسته‌های شبانه که ارزان‌تر از بسته‌های روزانه هستند، فرد را وسوسه نموده که ساعت‌ها تا صبح در تلگرام سیر نماید و چه بسا همین میزان استفاده بسیار و بی‌موقع، سبب برقراری روابط فرازنشویی گردد. نسرین ۳۸ ساله می‌گوید: «توی تلگرام به نظر من یه جور چشم و هم‌چشمی هست مثلاً پروفایل یک‌یکو می‌بینم می‌گم برم رنگ موهامو مثل اون کنم یا مثل اون تیپ بزنم یا از زندگیاشون تعریف میکنن می‌گم باید بهتر از اونا رو داشته باشم.»

- راهبردها

استراتژی‌هایی هستند که فرد به‌واسطه ظهور و بروز پدیده اصلی آن‌ها را اتخاذ می‌کند و تحت تأثیر بستر حاکم و شرایط مداخله‌گر می‌باشند. به‌عبارت‌دیگر راهبردها نشان‌دهنده نوع کنشی هستند که فرد پس از عضویت در شبکه اجتماعی تلگرام از خود نشان می‌دهد. طبق کدگذاری و تحلیل مصاحبه‌های انجام گرفته در پژوهش حاضر راهبردهایی که افراد در راستای پدیده عضویت در شبکه اجتماعی تلگرام اتخاذ نموده‌اند عبارتند از: شکستن هنجارهای زنشویی خیانت مجازی، انتقام از ازدواج سنتی و رقابت با زندگی‌های مجازی. یکی از راهبردهایی که افراد پس از ورود به شبکه اجتماعی تلگرام اتخاذ می‌کنند، «شکستن هنجارهای زنشویی» است که این راهبرد را از طریق «خیانت مجازی» به انجام رسانده و یا آن را نوعی «انتقام از ازدواج سنتی» می‌دانند. بدین‌صورت که فرد در راستای مقابله با محدودیت‌هایی که هنجارها برای روابط فرازنشویی اعمال نموده‌اند و همچنین شیوه ازدواجش در گذشته، در محیط آزادانه تلگرام، درصد انتقام‌گیری از مسبب ازدواج سنتی‌اش برمی‌آید چراکه آن را محصول قوانین خانواده، جامعه و دین می‌داند و احساس می‌کند که همسرش به وی تحمیل شده است، در نتیجه می‌خواهد از جامعه، دین، خانواده و همسرش به‌وسیله انجام «خیانت مجازی» انتقام بگیرد.

- پیامدها

عضویت در شبکه اجتماعی تلگرام تحت بستر حاکم و شرایط مداخله‌گر، اتخاذ می‌شوند به‌طور طبیعی پیامدهایی را برای کاربران به دنبال دارند که عبارتند از: تنش در روابط عاطفی (حباب عاطفی، طلاق عاطفی، نارضایتی از همسر به علت تغییر معیارها، تعارض و قهر، بی‌اعتمادی، آشفتگی در روند زندگی، دروغ و پنهان‌کاری، کاهش تعاملات مستقیم، شکستن حریم خانه، آغوش مجازی (سایبرسکس)، عشق مجازی، خیانت واقعی، طلاق رسمی) و تنش در شخصیت فردی (استرس ناشی از تنوع و تکثر محتوا، عصبی شدن، افسردگی، سردرگمی، دلزدگی، احساس تنهایی علی‌رغم افزایش روابط، افزایش سطح و کاهش عمق روابط، نارضایتی از خود به‌دلیل دوگانگی، سرخوردگی از متأهلی، رفتار مجردگونه، کاهش پایبندی به ارزش‌ها، هرزگی مجازی، عذاب وجدان، پشیمانی، طرد شدن از جامعه به‌دلیل طلاق، انزوای اجتماعی (درون‌گرایی).

براساس تحلیل داده‌های کیفی این نتیجه به دست آمد است: فردی که تحت تأثیر عضویت و استفاده از شبکه اجتماعی تلگرام و همچنین بستر حاکم و شرایط مداخله‌گر، به شکستن هنجارهای زناشویی می‌پردازد و یا به‌طور مداوم زندگی حقیقی خود را با زندگی‌های مجازی دیگران مقایسه می‌کند، پس از مدتی پیامدهایی را در رابطه با زندگی زناشویی خود و همسرش؛ «تنش در روابط عاطفی» و همچنین در رابطه با اخلاق و رفتار خودش «تنش در شخصیت فردی» تجربه می‌کند. تنش در روابط عاطفی زوجین بدین گونه صورت می‌پذیرد که فرد پس از مدتی دچار «حباب عاطفی» می‌شود. منظور از این مفهوم جدید این است که در رابطه عاطفی‌ای که فرد با همسرش، قبل از عضویت در تلگرام داشته است خللی ایجاد می‌شود؛ اما این خلل نه به معنای گسستن از یکدیگر، بلکه نوعی بلا تکلیفی و گیجی عاطفی است به‌گونه‌ای که فرد عواطف کاذبی را که با معشوقه مجازی خود دارد به دنیای حقیقی کشانده و در روابط میان خود و همسرش اعمال می‌نماید، در نتیجه سطح روابط عاطفی را به یک‌باره و به‌شدت افزایش می‌دهد به‌طوری‌که نمی‌تواند کاذب یا حقیقی بودن این عواطف را تشخیص دهد. پدیده «حباب عاطفی» پدیده‌ای است که با نظریات موجود در زمینه طلاق عاطفی قابل تبیین نیست و این موضوع، اهمیت ذهن کنشگران را نشان می‌دهد که در شرایط یکسان ممکن است کنش‌های متفاوتی را از خود نشان دهند. چراکه این کنش‌ها برخاسته از لایه‌های پنهان ذهن آن‌هاست.

طبق کدگذاری و تحلیل مصاحبه‌ها مشخص شد که هر چه زوجین توجه خود را به شبکه‌ای اجتماعی تلگرام و ارتباطات مجازی بیشتر معطوف نموده‌اند، میزان (کمیت) و

غلظت (کیفیت) مکالمه و هم‌کلامی بین آن‌ها (رابطه چهره به چهره) و در نتیجه ارتباطات عاطفی بین آن‌ها کاهش پیدا کرده است، به عبارت دیگر هم ساعات صحبت بین زوجین و هم بار عاطفی (گرمای عاطفی) مکالمات کاهش یافته که نوعی سردی عاطفی را به دنبال دارد. به تدریج استفاده از این شبکه باعث ایجاد سوء تفاهم، شک، بدبینی و بی‌اعتمادی در میان زوجین می‌شود و فرد سعی می‌کند روابط فرازنشویی مجازی خود را با دروغ و پنهان‌کاری بیوشاند اما گاهی این روابط به دلیل شک همسر و تعقیب و گریز مجازی آن‌ها به صورتی که مدام آن‌لاین بودن همسر خود را کنترل می‌کند، آن‌قدر ادامه می‌یابد که موجب تعارض و درگیری و قهر زوجین می‌گردد.

مهرداد ۳۱ ساله می‌گوید: خانم من سر همین تلگرام الان نزدیکه هفت هشت ماهه رفته قهر خونه باباش، تازه درخواست طلاقم داده و فعلاً تکلیفم معلوم نیست. من خیلی ازش تلگرام استفاده می‌کنم. گاهی نیز این روند آن‌قدر ادامه می‌یابد که فرد از همسرش جدا شده و ممکن است حتی با معشوقه مجازی خود ازدواج کند اما پس از ازدواج دوم احساسی جز پشیمانی عایدش نمی‌شود. میترا ۲۵ ساله که از همسر اولش جدا شده و با معشوقه مجازی خود ازدواج نموده است می‌گوید: «آخرش هم از شوهر سابقم جدا شدم و با دوست پسرم ازدواج کردم ولی پشیمونم اما پشیمونی چه سودی داره».

یکی دیگر از پیامدهای روابط مجازی در تلگرام، «شکستن حریم خانه» است که سبب تنش در روابط عاطفی می‌شود همسر شخص از این وضعیت شاکی می‌شود فرد تمام اتفاقات ریز و درشت زندگی خود را به صورت روزانه در تلگرام به دوستان مجازی خود مخابره نموده و با آن‌ها به اشتراک می‌گذارد. فرد با عضویت در شبکه اجتماعی تلگرام و استفاده معتادگونه از آن در شخصیت فردی خودش هم تنش ایجاد می‌کند.

سعید ۲۸ ساله در این مورد می‌گوید: الان تلگرام باعث شده همش تو خودم باشم وقتی برام نذاشته که از حال خودم بگم و هر چی هست می‌ریزم تو خودم یه گوشه میشینم و کز می‌کنم خانمم انگار هرچی حرف باهام می‌زنه من متوجه نمیشم می‌گه همش تو خودتی حواست کجاست دارم باهات حرف می‌زنم اصلاً فهمیدی چی گفتم؟»

از جمله مسائلی که با سهولت دسترسی در شبکه اجتماعی تلگرام همراه است و اگر به آن توجه نشود علاوه بر آسیب به روابط زوجین، ممکن است سلامت روان فرد را هم به خطر بیندازد، پرداختن فرد به روابط جنسی مجازی و تماشای فیلم‌های پورن در شبکه اجتماعی

تلگرام است زیرا علاوه بر اینکه ممکن است توقع زوجین را از کیفیت و نوع ارتباط زناشویی تغییر بدهد

کوروش ۲۹ ساله می‌گوید: من آدمی هستم که با خلیلیا ارتباط دارم تو تلگرام، جوری که بگم هر ماه با یه نفرم، خودم رو مجرد معرفی می‌کنم یا حتی به بعضیا هم میگم متاهلم ولی بازم باهام دوست میشن یه مدت باهاشون هستم تا وقتی که ازونا بهتر پیدا می‌کنم تو گروه‌ها.

از سوی دیگر تداوم به روابط مجازی و خیانت مجازی در تلگرام باعث می‌شود فرد احساساتی همچون افسردگی، پشیمانی و عذاب وجدان را تجربه نماید. در نتیجه دوگانگی شخصیتی و هویتی در وی ایجاد می‌شود زیرا در واقعیت با آن شخصیت ساخته و پرداخته و دروغین فاصله زیادی برخی افراد به دلیل کمبودهای عاطفی در زندگی خود به سمت روابط فرازناشویی مجازی می‌روند چراکه افراد غیر از روابط جنسی نیاز به ارضای امنیت، صمیمیت، رفاقت و روابط عاطفی دارند و برای ارضای این نیازها ممکن است به سمت روابط فرازناشویی کشیده شوند تا این خلأهای عاطفی را از طریق روابط فرازناشویی مجازی جبران کنند. روابط فرازناشویی در تلگرام باعث تشکیل «عشق مجازی» برای فرد می‌شود که در ظاهر نیازهای عاطفی شخص را برآورده می‌سازد.

ارتباط عاطفی زوجین به مرور زمان به حداقل می‌رسد و پس از اینکه روابط عاطفی آنها کاهش یافت امکان طلاق حقیقی و رسمی وجود دارد به جای اینکه فرد عواطف و محبت را به جای همسرش، از طریق عشق مجازی دریافت می‌کند که زمینه را برای طلاق عاطفی و طلاق رسمی فراهم می‌کند. گسترش ارتباطات مجازی، باعث کاهش روابط حقیقی زوجین و کاهش هم‌دلی آنان می‌شود. استفاده نابجا و معتادگونه از تلگرام طی مرور زمان بدبینی و سوءتفاهم ایجاد می‌کند و به دنبال آن خشونت‌های لفظی و فیزیکی و تعارض و درگیری شکل می‌گیرد و نهایتاً منجر به از هم پاشیدن کانون خانواده می‌گردد.

وقتی سطح توقع و انتظارات زوجین از یکدیگر به دلیل مقایسه همسر و زندگی خود با دیگران مجازی و زندگی‌های آنها بالا می‌رود کیفیت رابطه عاطفی زوجین به دلیل افت رضایتمندی، پایین می‌آید؛ و در نهایت تعارض بروز می‌کند. تعارض زناشویی عبارت است از نوعی ارتباط زناشویی که در آن رفتارهای خشونت‌آمیز مثل توهین و سرزنش، انتقاد و حمله فیزیکی وجود دارد و زوجین در آن نسبت به یکدیگر احساس خصومت، کینه، نفرت و خشم داشته و هر یک عقیده دارد که همسرش انسان نامطلوب و ناسازگاری است که موجب

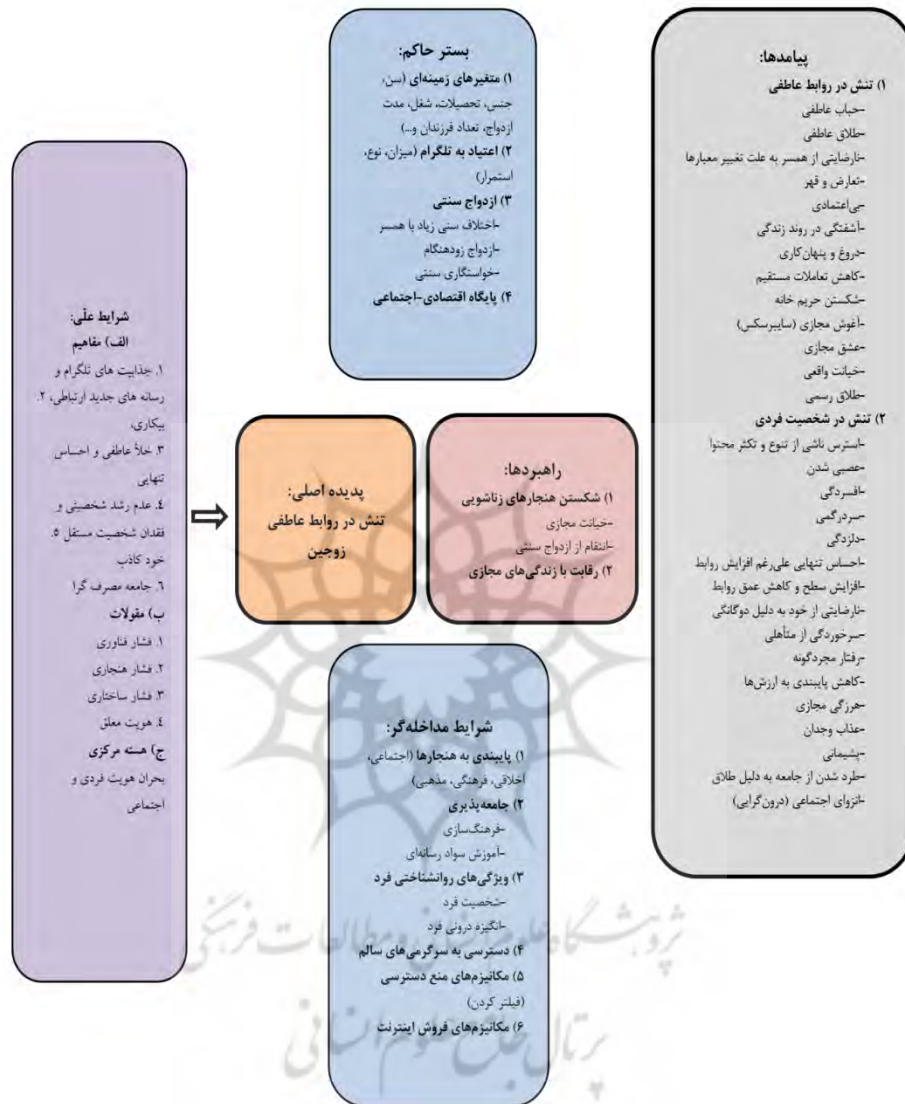
رنجش و عذاب او می‌شود. در روابطی که پر از ناراحتی، شکایت، رنجش، خشم و متمرکز بر اختلافات و تفاوت‌ها است، هرگز نمی‌توان شادی و سرزندگی را برای مدتی طولانی تجربه و حفظ کرد. برقراری تعامل میان زوجین در یک رابطه عاطفی سالم باعث می‌شود آن‌ها به یکدیگر انرژی مثبت، شادی و آرامش منتقل کنند، مانند گوش دادن فعال یا گفتگوی مؤثر؛ اما همان‌طور که از نتایج تحلیل مصاحبه‌ها پیداست افراد به دلیل استغراق در تلگرام و در نتیجه کاهش تعامل مؤثر دیگر حتی زمانی که کنار یکدیگر نشسته‌اند متوجه حضور همدیگر یا صحبت‌های همسر خود نمی‌شوند و اذعان دارند که دیگر مانند زمان قبل از عضویت در تلگرام، از یکدیگر و کنار هم بودن انرژی مثبت و آرامشی دریافت نمی‌کنند.

نیاز به توجه تحسین، دوست داشته شدن و پذیرفته شدن در زمره نیازهای عاطفی‌ای هستند که در رابطه باید به آن‌ها توجه داشت. نیاز به هم‌فکری و آرامش ذهن، نیاز ذهنی و فکری‌ای است که باید در یک رابطه از جانب هر دو طرف برآورده شود. در روابطی که بی‌توجه و بی‌میلی در آن‌ها زیاد است، این نیازها تأمین نمی‌شود و پیوند عاطفی زوجین از بین می‌رود.

از جمله مسائلی که نقض آن با استفاده از شبکه اجتماعی تلگرام آسان‌تر و به واسطه شکل متفاوت ارتباط پذیرفتنی‌تر است، تعهد در رابطه عاطفی زوجین است که رعایت آن اصل بدیهی برای دوام زندگی زناشویی است و این تعهد با خیانت مجازی شکسته می‌شود. خیانت در فضای مجازی زمانی مطرح می‌شود که فرد آن عاطفه زمان و یا لذتی را که باید به همسرش اختصاص بدهد و یا به‌طور خاص فقط از جانب او دریافت کند در فضای مجازی و با کسی غیر از همسر خود دادوستد می‌کند. این نوع از خیانت لزوماً در همه موارد به خیانت در جهان واقعی منجر نمی‌شود اما به لحاظ روانی فرد را در موقعیتی قرار می‌دهد که از جهت آثار و پیامدها کم از خیانت در واقعیت ندارد.

بنابراین فرد در اثر راهبردهای اتخاذشده در شبکه اجتماعی مجازی تلگرام با پیامدهایی مواجه می‌گردد که یا مستقیماً رابطه عاطفی وی و همسرش تحت‌الشعاع قرار می‌دهند و آن را دچار تنش می‌کنند و یا با تأثیرگذاری بر شخصیت فرد و ایجاد تنش در آن، به‌صورت غیرمستقیم رابطه عاطفی زوجین را دچار اختلال می‌گردانند. همچنین تنش در رابطه عاطفی میان فرد و همسرش خود نیز سبب تنش در شخصیت فرد می‌گردد؛ بنابراین می‌توان یک رابطه متقابل و دوسویه را میان این دو تنش در نظر گرفت.

مدل پارادایم مربوط به (روابط عاطفی زوجین)



بحث و نتیجه‌گیری

تلگرام از جمله اپلیکیشن‌های پیام‌رسان در فضای مجازی است که به دلیل قابلیت‌های برتر خود نسبت به سایر پیام‌رسان‌ها همچون سرعت فضای ذخیره‌سازی، تنوع و باز بودن متن با استقبال فراوان کاربران مواجه شده است. البته با توجه به بیگانه بودن سرور آن آسیب‌هایی

به همراه داشته است. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های این شبکه اجتماعی سرد شدن روابط زوجین به دلیل استغراق آن‌ها در این شبکه و برقراری روابط فرازنشویی در آن است. شرایط علی در این تحقیق شرایطی هستند که زمینه‌ساز بروز پدیده محوری یا همان تنش در روابط عاطفی بین زوجین هستند. نتایج پژوهش حاضر براساس داده‌های گردآوری‌شده در قالب شش مفهوم اصلی از جمله: جذابیت‌های تلگرام و رسانه‌های جدید ارتباطی، بیکاری، خلأ عاطفی و احساس تنهایی، عدم رشد شخصیتی و فقدان شخصیت مستقل، خودکاذب و جامعه مصرف‌گرا مطرح شده‌اند؛ این مفاهیم خود به چهار مقوله عمده تحت عنوان فشار فناوری، فشار هنجاری، فشار ساختاری و هویت معلق تقسیم شده‌اند. در نهایت، یک مقوله هسته با عنوان بحران هویت فردی و اجتماعی در ایجاد تنش در روابط عاطفی زوجین تحلیل شده است. جذابیت‌های تلگرام از جمله، عشق مجازی، دوستی مجازی، صمیمیت مجازی، دلبستگی مجازی، ارتباط امن، آسان، ارزان، چندرسانه‌ای، است. مکانیزم‌های سوق-دهنده، سازوکارهایی هستند که به خود فرد مربوط می‌شوند و مکانیزم‌های جذب‌کننده به ویژگی‌های شبکه اجتماعی تلگرام مرتبط هستند، در حقیقت مزایا و جذابیت‌های این شبکه هستند. مطالعات تایلر (۲۰۱۳) این نتیجه را تأیید می‌نماید. بستر حاکم در این پژوهش شامل متغیرهایی است که به ظاهر بی‌ربط هستند اما تأثیر بسزایی در راهبردهای اتخاذشده توسط کنشگران دارند. نتایج پژوهش حاضر براساس مشارکت‌کنندگان نشان داد است که: متغیرهای زمینه‌ای سن، جنس، تحصیلات، شغل، مدت ازدواج، تعداد فرزندان و، اعتیاد به تلگرام میزان، نوع، استمرار، ازدواج سنتی اختلاف سنی زیاد با همسر، ازدواج زودهنگام، خواستگاری سنتی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی در تأیید این مفاهیم به‌عنوان بستر حاکم منظور راهبردهای اتخاذشده از سوی زوجین در رابطه با تلگرام است. این متغیرها با تحقیقات، شیرینی و رحمانی (۱۳۹۴) و فلاحی (۱۳۹۵) همسو و همخوانی دارد. در این رابطه می‌توان به برخی از تحقیقات دیگر نیز اشاره نمود. من جمله شعبانی (۱۳۹۲) و طلایی‌پلنگرد (۱۳۹۳) به رابطه مستقیم میان متغیرهای زمینه‌ای، پایگاه اقتصادی اجتماعی، ازدواج سنتی، اشاره داشته‌اند. شرایط مداخله‌گر در این تحقیق شرایطی هستند که راهبردهای اتخاذشده توسط فرد را تسهیل و یا تحدید می‌کنند. براساس نتایج کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده این شرایط در مدل پارادایم عبارتند از: پایبندی به هنجارها اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، مذهبی، جامعه‌پذیری فرهنگ‌سازی، آموزش سواد رسانه‌ای، مکانیزم‌های منع دسترسی فیلتر کردن، دسترسی به سرگرمی‌های سالم، ویژگی‌های روان‌شناختی شخصیت فرد، انگیزه

درونی فرد، مکانیزم‌های فروش اینترنت. خدامرادی و همکاران (۱۳۹۳) و یاسمی (۱۳۹۴) نیز نشان داده است که هنجارها، ارزش‌های خانوادگی کاربران در نوع استفاده آن‌ها از این فضا و یا به عبارتی راهبردی که در فضای مجازی اتخاذ می‌کنند مؤثر بوده است. پیرجلیلی و همکاران (۱۳۹۷) و غلامزاده بافقی و جمالی بافقی (۱۳۹۷) در تحقیقات نشان دادند که میان استفاده زوجین از شبکه اجتماعی تلگرام بدون سواد رسانه‌ای و تنش در رابطه عاطفی آن‌ها رابطه مستقیم وجود داشته است.

یک رابطه معنادار میان میزان استفاده از شبکه اجتماعی آنلاین و صمیمیت و رضایت از یک شریک عاشقانه مجازی وجود دارد که تأییدکننده مفهوم خیانت مجازی و رابطه آن با اعتیاد به اینترنت است. همچنین براساس نتایج مصاحبه مشارکت‌کنندگان رابطه معناداری میان استفاده از تلگرام و وابستگی عاطفی به دیگران وجود داشته است؛ و اکثریت مشارکت‌کنندگان اظهار داشته اند که حضور در شبکه‌های اجتماعی و اعتیاد به آن‌ها سبب وسوسه نمودن افراد برای برقراری روابط فرازناشویی مجازی می‌گردد.

راهبردهای اساسی این تحقیق استراتژی‌هایی هستند که فرد به‌واسطه ظهور و بروز پدیده اصلی آن‌ها را اتخاذ می‌کند و تحت تأثیر بستر حاکم و شرایط مداخله‌گر می‌باشند. به‌عبارت‌دیگر راهبردها نشان‌دهنده نوع کنشی هستند که فرد پس از عضویت شبکه اجتماعی تلگرام از خود نشان می‌دهد. نتیجه دیگر پژوهش نشان داد که شرایط مداخله‌گر از جمله پایبندی به هنجارها اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، مذهبی، جامعه‌پذیری فرهنگ-ساز، آموزش سواد رسانه‌ای، مکانیزم‌های منع دسترسی فیلتر کردن، دسترسی به سرگرمی‌های سالم، ویژگی‌های روان‌شناختی فرد شخصیت فرد، انگیزه درونی فرد، مکانیزم-های فروش اینترنت. همگی مؤثر و تأثیر دوچندان بر روابط عاطفی داشته است. بیان این امر با تحقیق خدامرادی و همکاران (۱۳۹۳) و یاسمی (۱۳۹۴) نیز همسو و مورد تأیید بوده است؛ که هنجارها ارزش‌های خانوادگی کاربران در نوع استفاده آن‌ها از این فضا و یا به عبارتی راهبردی که در فضای مجازی اتخاذ می‌کنند مؤثر هستند و اکثریت مصاحبه‌کنندگان اظهار داشته اند که میان استفاده زوجین از شبکه اجتماعی تلگرام بدون سواد رسانه‌ای و تنش در رابطه عاطفی آن‌ها رابطه مستقیم وجود دارد. طبق کدگذاری و تحلیل مصاحبه‌های انجام گرفته: شکستن هنجارهای زناشویی، خیانت مجازی، انتقام از ازدواج سنتی، رقابت با زندگی‌های مجازی همسر، مدت زمان زندگی مشترک، مرتبه ازدواج و روابط عاطفی زوجین رابطه معنی‌داری را نشان داده است و بیان این مفاهیم با تحقیق

شعبانی (۱۳۹۲) همسو است. نتیجه دیگر پژوهش حاکی از پیامدهای اساسی است که برای کاربران به دنبال داشته‌اند من جمله: تنش در روابط عاطفی، حباب عاطفی، طلاق عاطفی، نارضایتی از همسر، تغییر معیارها، تعارض و قهر، بی‌اعتمادی، آشفتگی در روند زندگی، دروغ - پنهان‌کاری، کاهش تعاملات مستقیم، شکستن حریم خانه، آغوش مجازی (سایبرسکس)، عشق مجازی، خیانت واقعی، طلاق رسمی، تنش در شخصیت فردی، استرس ناشی از تنوع و تکثر محتوا، عصبی شدن، افسردگی، سردرگمی، دلزدگی، احساس تنهایی علی‌رغم افزایش روابط، افزایش سطح و کاهش عمق روابط، نارضایتی از خود به دلیل دوگانگی، سرخوردگی از متأهلی، رفتار مجردگونه، کاهش پایبندی به ارزش‌ها، هرزگی مجازی، عذاب وجدان، پشیمانی، طرد شدن از جامعه به دلیل طلاق، انزوای اجتماعی (درون‌گرایی) همان‌طور که پیداست فرد در اثر برقراری روابط فرازناشویی در شبکه اجتماعی تلگرام و یا رقابت با زندگی‌های مجازی دیگران تلگرامی به دو تنش گرفتار می‌گردد یکی در روابط عاطفی با همسرش و دیگری در شخصیت خودش که این دو تنش به‌نوبه خود نیز بر یکدیگر متقابلاً تأثیرگذارند. نیازی و همکاران (۱۳۹۶) و رحیمی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در تحقیقات خود رابطه معنادار میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی و انزوای اجتماعی، سردی روابط عاطفی و بی‌اعتمادی زوجین نسبت به یکدیگر را نشان داده‌اند. یوتز و بیوکبوم (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان دادند که بین میزان رضایت از رابطه فرازناشویی مجازی، حسادت عاطفی همسر و پیامدهای عاطفی رابطه معناداری وجود دارد. هرتلین و آنچتا (۲۰۱۴) نیز در تحقیق خود نشان دادند فناوری‌های ارتباطی جدید سبب فاصله گرفتن، عدم وضوح و عدم اعتماد در روابط دوجانبه زوجین شده‌اند. آدامسون (۲۰۱۷) و کیتسون (۲۰۱۷) نیز در تحقیقات خود بیان داشتند که زوجین علاوه بر این که حریم زندگی خصوصی خود با دیگران در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند، به مقایسه میان زندگی حقیقی خود و زندگی مجازی آن‌ها می‌پردازند. مفهوم جدید «حباب عاطفی» که در این پژوهش استفاده شده است اشاره به حالتی قبل از طلاق عاطفی دارد، در این حالت در روابط عاطفی شخص و همسرش حبابی ایجاد می‌شود که هنوز رابطه عاطفی به‌طور کامل قطع نشده است اما نوعی عواطف کاذب میان شخص و همسرش به وجود می‌آید که خود شخص در تشخیص حقیقی یا کاذب بودن این عواطف درمانده است این حباب ممکن است به دلیل روابط فرازناشویی مجازی فرد یا مقایسه همسرش با دیگران مجازی در تلگرام و یا در نتیجه مقایسه و نارضایتی از همسرش به دلیل تغییر معیارهای همسر ایده‌آل از نظر فرد رخ دهد. هر چه فرد به روابط مجازی خود

و استغراق در تلگرام تداوم دهد این حباب بزرگ‌تر گشته تا جایی که به طلاق عاطفی منجر می‌گردد. به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که فرد در اثر کمبودهای زندگی خود و همچنین جذابیت‌های تلگرام به‌عنوان عامل مضاعف، به عضویت شبکه اجتماعی تلگرام در می‌آید و پس از آن به‌دلیل عواملی همچون اعتیاد به تلگرام، متغیرهای زمینه‌ای، جامعه‌پذیری، ازدواج سنتی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، پایبندی به هنجارها، فیلتر کردن، سواد رسانه‌ای و... درصدد کنش هنجارشکنانه در فضای تلگرام برمی‌آید چراکه فضای آزاد و گمنام تلگرام این امکان را برای فرد فراهم می‌نماید، در نتیجه اتخاذ این راهبرد و شکستن هنجارهای زناشویی، فرد پس از مدتی دچار تنش در رابطه عاطفی میان خود و همسرش و همچنین تنش در شخصیت خود می‌شود.

پیشنهادات برگرفته از پژوهش

- ۱- فرهنگ گفتگو در بین زوجین جوان فراگیر شود.
- ۲- ترمیم روابط سرد و یا خراب شده در میان زوجین با کمک متخصصان حوزه خانواده
- ۳- مسئولیت‌پذیری زوجین و شناسایی مهارت‌های ارتباطی آنان و ارائه خدمات مشاوره‌ی به زوجینی که در معرض تنش عاطفی و خانوادگی هستند.
- ۴- برای جلوگیری از ایجاد تضاد ارزشها و الگوهای اساسی در بین زوجین خانواده‌ها قبل از ازدواج فرزندان‌شان به شناخت درست و دقیق ارزش‌های خانواده‌ای متقابل بپردازند.

منابع

- اسکافی نوغانی، مریم، ترکمان، فرح؛ ساروخانی، باقر. (۱۳۹۴). «اثر شبکه‌های اجتماعی بر طلاق عاطفی در شهر مشهد»، *علوم اجتماعی* دانشگاه فردوسی، سال دوازدهم. شماره ۱، ۲۵۰-۲۲۵.
- اسلامی، مروارید. (۱۳۹۱). بررسی شبکه‌های اجتماعی و تأثیرات آن‌ها بر ابعاد مختلف زندگی. *نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید*.
- التمن، ایروین. (۱۳۸۲). *محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام*. ترجمه، علی نمازیان. تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- باستانی، سوسن، گلزاری، محمود، روشنی، شهره. (۱۳۸۹). «طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی». *بررسی مسائلی اجتماعی ایران*، سال اول، شماره ۳، ۲۰-۱.
- باومن، زیگموند. (۱۳۸۴). *عشق سیال*. ترجمه، عرفان ثابتی. تهران: نشر ققنوس.
- بودریار، ژان. (۱۳۹۲). *جامعه مصرفی*. ترجمه، پیروز ایزدی. تهران: نشر ثالث.
- تامپسون، جان بروکشایر. (۱۳۸۰). *نظریه اجتماعی رسانه‌ها*. ترجمه، مسعود اوحدی. تهران: نشر سروش.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی نظم، تشریح تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.
- دادگران، سید محمد. (۱۳۹۰). *مبانی ارتباطات جمعی*. تهران: فیروزه.
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۷). *درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی*. ترجمه، حسین بهروان، مشهد: به‌نشر.
- رحیمی، محمد، شکرپیگی، عالیه، ساروخانی، باقر، حضرتی‌صومعه، زهرا. (۱۳۹۶). «بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی و تغییرات جاری در خانواده‌ها»، *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، سال پنجم، شماره ۸، ۱۶۹-۱۴۵.
- روزنامه دنیای اقتصاد (۱۳۹۶). ویژگی‌های یک رابطه عاطفی سالم چیست؟. ۲۵ خرداد. شماره ۴۰۷۰.
- ساندرز، کریستوف. (۱۳۸۲). «استفاده از اینترنت، افسردگی و انزوای اجتماعی کودکان». *فرهنگ و پژوهش*، شماره ۱۲۸، ۱۰۹.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۸). *روانشناسی اجتماعی*. تهران: نشر آوای نور.
- شرام، ویلبر. (۱۳۸۱). *پیش‌تازان علم ارتباطات*. ترجمه: غلامرضا آذری و زهرا آذری. تهران: رسا.
- شعبانی، سعید. (۱۳۹۲). *بررسی میزان طلاق عاطفی و عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با آن (مورد مطالعه: افراد متأهل شهر همدان)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- شکرپیگی، عالیه. (۱۳۹۶). «بررسی جامعه‌شناختی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و ظهور تحولات در زندگی زناشویی زوجین منطقه ۱ شهر تهران». *جامعه‌شناسی ایران*، دوره هجدهم، شماره ۲، ۱۲۷-۹۵.
- شیری، طهمورث، رحمانی، الناز. (۱۳۹۴). «تأثیر استفاده از وسایل نوین ارتباطی (لاین و تلگرام) بر وضعیت انسجام خانواده (مورد مطالعه: منطقه ۱ شهر تهران)». *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال هشتم، شماره ۱، ۹۹-۱۱۱.

- صدقی جلال، آزاده؛ فتحی، سروش، صدقی جلال، هما. (۱۳۹۴). تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سبک زندگی زوجین. *اولین همایش ملی روانشناسی و خانواده*. اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز. طالب‌پور، اکبر. (۱۳۹۶). «بررسی عوامل موثر بر خشونت خانگی با تاکید بر همسر آزاری در مناطق استان اردبیل». *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، سال ششم، شماره ۱۱، ۱۲۵-۱۵۴.
- طلایی‌پلنگرد، منظر. (۱۳۹۴). *بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر طلاق عاطفی (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر اهواز)*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- عبدالکریمی، بیژن. (۱۳۹۲). تأملاتی پیرامون حملات سایبری به اسطوره فوتبال. آنلاین. <http://www.mosalas.ir>
- عرب‌انصاری، مهدی؛ رضانی، حسن و صالحی، مهدی (۱۳۹۳). «بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای در فروپاشی بنیان خانواده». *مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی*، دوره سی‌ویکم، شماره ۹، ۱۵۹-۱۳۶.
- فقیهی، علی‌نقی. (۱۳۹۲). «نگاه تربیتی به روابط عاطفی زوجین در آموزه‌های دینی». *تربیت اسلامی*. سال هشتم، شماره ۱۷، ۱۰۱-۷۵.
- کفاشی، مجید. (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانوادگی». *پژوهش علوم اجتماعی*. سال دوم، شماره ۳، ۷۸-۵۷.
- کوچکی، محبوبه، شیرینی، طهمورث و مظفری، افسانه. (۱۳۹۵). «مقایسه میزان مهارت‌های ارتباطی زوجین در شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن در رضایت از زندگی زناشویی (مورد مطالعه: شهروندان منطقه ۵ تهران)». *روزنامه‌نگاری الکترونیک*، سال اول، شماره ۲، ۱۱۹-۹۸.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۸۲). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- کوئن، بروس. (۱۳۹۱). *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه: غلامعباس توسلی و رضا فاضل. تهران: نشر سمت.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۷). *شبکه‌های خشم و امید*، چاپ پنجم، ترجمه مجتبی قلی‌پور، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*. ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- محمدی‌جو، امیر. (۱۳۹۲). «نقش اینترنت بر انزوای اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز». *مطالعات رسانه‌ای*، سال هشتم، شماره ۲۲، ۳۰-۱۹.
- محمدی‌سیف، معصومه؛ محمدی‌سیف، قاسم و نریمانی، سعید. (۱۳۹۳). «آسیب‌های اعتیاد به اینترنت در خانواده و انواع آن». *رسانه و خانواده*، شماره ۱۰ و ۱۱، ۱۰۶-۵۱.
- معمار، ثریا؛ عدلی‌پور، صمد، خاکسار، فائزه. (۱۳۹۱). «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت». *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره اول، شماره ۴، ۱۷۶-۱۵۵.
- وبستر، فرانک. (۱۳۸۰). *نظریه‌های جامعه‌اطلاعاتی*. ترجمه: اسماعیل قدیمی، تهران: قصیده‌سرا.
- ویندال، سون. (۱۳۸۵). *کاربرد نظریه‌های ارتباطات*. ترجمه: علیرضا دهقان. تهران، مرکز مطالعات تحقیقات و رسانه‌ها.

یاسمی، محسن. (۱۳۹۴). بررسی رابطه استفاده از اینترنت با ارزش‌های نهاد خانواده (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه پیام نور ایوان غرب). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد بندرعباس. یزدانی، عباس (۱۳۹۲). عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر طلاق عاطفی در شهرکردستان، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال ششم، شماره ۵، پائیز و زمستان ۱۳۹۳. همدان، دانشگاه بوعلی

یعقوبی، الهام. (۱۳۹۶). نقش فضای مجازی در طلاق عاطفی از دیدگاه فقه و حقوق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد سبزوار.

Adamson, D. (2017). The Dangers of Social Media on Marriage and Family. Online. www.ncu.edu.

Affonso, B. (1999). *Is the Internet Affecting the Social Skills of Your Children?*. Reno: Nevada University. www.clomedia.com.

Boyd, D. (2007). Why youth (heart) social network sites: The role of networked publics in teenage social life. *MacArthur foundation series on digital learning—Youth, identity, and digital media volume*, Cambridge: MA. MIT. 119-142.

Boyd, D.; Ellison, N. (2010). Social network sites: definition, history, and scholarship. *IEEE Engineering Management Review*. 3(38). 16-31.

Ellison, N. B.; Lampe, C.; Steinfield, C. (2009). Feature Social network sites and society: current trends and future possibilities. *Interactions*. 16(1). 6-9.

Feather, J. (2000). *The Information Society: A Study of Continuity and Change*. Chicago: Library Association Pub.

Fischer, C. S. (1975). Toward a subcultural Theory of Urbanism. *American Journal of Sociology*. 80(6). 1319-1341.

Hampton, K.; Wellman, B. (2003). Neighboring in Neville: How the Internet supports community and social capital in a wired suburb. *City and Community*. 2(4). 277-311.

Kim, K. H.; Yun, H. (2008). Cying for me, Cying for us: Relational dialectics in a Korean social network site. *Computer Mediated Communication*. 13(1). 298-318.

Marks, S. R. (1989). Toward a systems theory of marital quality, *marriage and the family*. 51(1). 15-26.

Matthew, M.H.; et al. (2013). Facebook and Romantic Relationships: Intimacy and Couple Satisfaction Associated with Online Social Network Use. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*. 16(1). 8-13.

Pempek, T.A.; Yermolayeva, Y.A.; Calvert, S.L. (2009). College students' social networking experiences on Facebook. *Applied Developmental Psychology*. 30(3). 227-238.

Piercy, D. (2000). Student psychological well-being and the internet. Online. <http://dtp.epsp.net>.

Potter, W. J. (2005). *Media Literacy*. London: Sage

Potter, W. J. (2010). The state of media literacy. *Broadcasting & Electronic Media*. 54(4). 675-696.

Riesman, D. (2001). *The Lonely Crowd: A Study of the Changing American Character*. New Haven: Yale University.

- Sylvester, D.; McGlynn, A. (2010). The digital divide, political participation, and place. *SocSci Comput Rev.* 28(1). 64-74.
- Thevenin, B.; Mihailidis, P. (2012). The Re-Politicization of Media Literacy Education. *Media Literacy Education.* 4(1). 61-69.
- Walther, J.B.; Parks, M.R. (2002). *Cues filtered out, cues filtered.* In: Handbook of interpersonal communication. Thousand Oaks: Sage.
- Westbrook, N. (2011). Media Literacy Pedagogy: Critical and New/Twenty-First-Century Literacies Instruction. *E-Learning and Digital Media.* 8(2). 154-164.

